

### جایگاه ضرب‌المثل‌ها در گویش نهاوندی (۱۳)

#### کرم‌خدا امینان

۳۲۶- مال احمد دُل بی رحمت!<sup>۱</sup> دل بی‌رحم و انصاف تو با دارایی احمد [چه کرد؟]  
این ضرب‌المثل در مذمت اسراف و تبذیر در مال دیگران است. با به‌کار بردن  
«احمد» و «رحمت»، عبارت مسجع<sup>۲</sup> شده است. شاید این ضرب‌المثل برگرفته از  
حکایتی باشد.

۳۲۷- مال دنیا قس نیوه. مال دنیا تقسیم نشده است.  
این مثل را در بی‌اعتباری دنیا و ناپایداری مال دنیا گفته‌اند. هرکس هم در دنیا  
چیزی دارد مالک اصلی آن نیست. در واقع به این معناست که مال و ثروت دنیا تقسیم  
نشده و مالک واقعی ندارد. بعضی رانندگان پشت ماشین خود این بیت را نوشته‌اند:  
در حقیقت مالک اصلی خداست      این امانت بهر روزی نزد ماست

۱- حرف «ح» در این کلمه در گویش نهاوند تلفظ نمی‌شود، یعنی به صورت «رمت» به‌کار می‌رود.  
۲- مسجع بودن یا شعرگونه بودن از ویژگی‌های اغلب ضرب‌المثل‌هاست، به‌علاوه‌ی سایر  
خصوصیات، و از جمله داشتن «پیام» و «مفهوم یا مقصود» عبرت آمیز.

۳۲۸- مال علی - ولینہ کی سوا کوردہ؟! [کی سابقه دارد کسی] اموال علی و ولی را [که دو برادرند] از هم جدا کرده باشد؟! منظور این است که مال ما یکی است. ما از هم جدایی نداریم. این ضرب المثل را در مقام تعارف و اظهار یگانگی به یک دیگر می گویند و ای کاش همیشه چنین باشد.

۳۲۹- مالی که و صحوش نوزہ دزیتہ! مالی که به صاحب خود شباهت نداشته باشد، مال دزدی است! نظیر آن چه در عربی گفته می شود: «ألمالُ یُشبهُ بِصاحِبِهِ» وقتی فرزندی خیلی به پدر یا مادر خود شباهت داشته باشد، آشنایان به رسم شوخی و مزاح این ضرب المثل را به کار می برند.

۳۳۰- مال و مال صحو حرافه؟! آیا مال به صاحب مال حرام است؟! این ضرب المثل در تقبیح ثروتمندانی است که مالشان از گلوشان پایین نمی رود! اصولاً صاحب مال باید بیش تر و بهتر از هر کس دیگر از مال خود بهره مند شود. متأسفانه کسانی هستند که بر اثر بخل و خست چنان که باید و شاید از مال خود برخوردار نیستند و آن را روی هم انباشته می کنند تا وقتی که نصیب وارث شود! چه خوب گفته اند: للمال شریکان: ألوارثُ و الحوادثُ! برای ثروت هر کس، دو شریک هست: یک ارث برندگان، و دیگر پیش آمدها.

۳۳۱- مَخُوا خر سوارینہ نشون کولی یتہ! می خواهد خر سواری را به کولی یاد بدهد! این مثل درباره ی یاد دادن کار است به کسی که خود در آن کار مهارت دارد. مثل کسی که در برابر دانشمندتر از خود بخواهد اظهار فضل کند. چنین کاری هر چند ضرر ندارد، اما سبب اتلاف وقت است. گفته اند: «تو، مادر مرده را شیون می آموز!»

ضرب‌المثل دیگری است به این مضمون: چل ساله گیایی مُگَنه، نِمینه شیو جُمه کِینه!؟ [کسی که] چهل سال است که گدایی می‌کند، نمی‌داند شب جمعه چه وقتی است!؟

۳۳۲- مَدَرَتِ رُو اِسبِی نِمِگَنه! معذرت‌خواهی باعث روسپیدی نمی‌شود!

سربلندی و روسپیدی هر کس در جامعه به عملکرد صحیح او با دیگران بستگی دارد. اصولاً رفتار و گفتار ما با دیگران باید آن‌چنان باشد که بعداً مجبور به معذرت‌خواستن نشویم، زیرا با پوزش‌خواهی نه تنها روسپیدی کسب نمی‌شود، بلکه شرمساری افزودن می‌گردد.

۳۳۳- مَرِی آدَمِ لَفُو جِسِه! گویی از مقابل سیلاب گریخته!

این ضرب‌المثل در تقبیح شتاب زدگی است و معمولاً به کسی که با حرص و ولع زیاد غذا می‌خورد گفته می‌شود. «لَف» در گویش نهاوندی به معنی سیل و «لَفگاه» سیلگاه و مسیل است و به سیلاب «لَفُو» (لَف + او = آب) می‌گویند.

۳۳۴- مَرِغِ کُل، مَفَتِ خورسَه! «کُل» در لهجه نهاوندی و دهات اطراف به معنی کوتاه است، چنان‌که سخن خلاصه را «کُل» - کوتا» می‌گویند و مرغِ کُل یعنی مرغ بدون دُم. مراد از ضرب‌المثل آن است که اشخاص رند و ابن‌الوقت از هر نقطه ضعف یا کمبود دیگران سوء استفاده می‌کنند.

۳۳۵- مَرِغِی که اِنجیلِ مَخُورَه تَکش چَفَتَه! مرغی که انجیر می‌خورد نوکش کج است!

در گویش نهاوندی «انجیل» همان «انجیر» است و «چَفَت» به معنی کج است. ظاهراً لغت «چَفَت» از کردی به نهاوندی راه یافته، چون در کرمانشاه و اطراف آن «چَفَت» به

معنی کج است. و به آدمی که دهانش کج است می گویند «دَمَ چَفت». به هر حال مراد از این مثل آن است که هر کاری از هر کسی ساخته نیست و نوک هر پرنده‌ای به درد چیدن و خوردن انجیر نمی‌خورد و به قول معروف: «هر کسی را بهر کاری ساختند» ظاهراً این ضرب‌المثل از فارسی به گویش نهاوندی راه یافته است.

۳۳۶- مَری قَتِ خروسِ کِرْدَه! گویی مثل خروس فتح کرده! [در جنگ با خروس دیگری پیروز شده است!]

کسی که کاری کم ارزش و بی اهمیت انجام می‌دهد و به آن می‌نازد و با سروگردن برافراشته به مردم فخر می‌فروشد، با این ضرب‌المثل مورد تحقیر و تقیح قرار می‌گیرد.

۳۳۷- مَری هر چی دَسَر مَنگَم مِمِش اُ! گویی هر چه دستاس می‌کنم می‌دهمش به او! یعنی این قدر از او نفرت دارم که گویی همه دسترنج مرا او می‌خورد. در این ضرب‌المثل رابطه‌ی فرد با کسی که از او نفرت دارد به رابطه‌ی دستاس‌کننده (ی‌گندم و...) با کسی تشبیه شده که منفور و مزاحم اوست و سعی می‌کند با تحویل دادن محصول دستاس به او (مزاحم) به حضورش در آن‌جا خاتمه دهد.

۳۳۸- مَلِیجِی<sup>۱</sup> پارسال، جیک جکِ امسال؟! گنجشک یک ساله، امسال چه سروصدایی راه انداخته است!؟

«ملیجه» و «ملیج» در گویش نهاوندی به معنی گنجشک است. معادل این کلمه در زبان عربی «عصفور» است. وقتی شخص کم سن و سال یا فرد فرودستی سخنی برتر از

۱- نوع دیگری از گنجشک را «چکاوک» گویند که نام دیگرش «شیر گنجشک» است و در گویش نهاوندی به «گو ملیج» موسوم است. کُنیهِ چکاوک را «ابوالملیح» گفته‌اند. ظاهراً در آوای چکاوک ملاحظاتی وجود دارد.

حد خود می‌گوید ، یا به کاری بیش از توانایی خود دست می‌زند ، با گفتن این ضرب‌المثل وی را مورد سرزنش قرار می‌دهند. چنان‌که شادروان پروین اعتصامی از قول کبوتر به جوجه‌اش که میل پرواز دارد ، می‌گوید:

هنوزت دل ضعیف و جثه خُرد است      هنوز از چرخ بیم دستبرد است

۳۳۹- مو آن‌نازکی نیم‌وزّه! مو از نازکی پاره نمی‌شود!

صیرف نازک و باریک بودن مو باعث پاره‌شدن آن نمی‌شود. این عبارت را برای دل‌داری به مادرانی می‌گویند که کودکانی لاغر و ناتوان دارند و امیدوارشان می‌کنند به این که چه بسا همان کودک نحیف و ناتوان ، روزی مردی تنومند و توانا گردد.

تو آن کودک از مگس رنجه‌ای      که امروز سالار سر پنجه‌ای «سعدی»

۳۴۰- مَیرِ پُشتِ خُونِه‌ی مُشْتَهِدِ دُلِ زَیْمِ؟! مگر پشت‌خانه مجتهد دهل زده‌ام!؟

کسی که این ضرب‌المثل را به کار می‌گرفت ، می‌خواست کاری را که انجام داده توجیه شرعی کند و نشان دهد که مرتکب گناهی نشده است. ضمن این که از خلال این ضرب‌المثل اهمیت و احترام به مقام مجتهد و مرجع دینی به خوبی درک می‌شود.

۳۴۱- مَیرِ تجارتِ بُقِ حَمُومَه؟! مگر خریدن بوق حمام تجارت است!؟

در قدیم هنگام تعویض نوبت حمام به زنانه یا مردانه ، حمامی پشت‌بام حمام می‌رفت و در بوقی می‌دمید تا مردم با خبر شوند . به همین منظور هر صاحب حمامی بوقی داشت که سال‌ها از آن استفاده می‌کرد.

حال اگر کسی تا آن درجه ساده لوح و نادان باشد که با ثروت یا ارث پدری خود مثلاً هزار بوق حمام بخرد به امید آن که آن‌ها را به حمامی‌ها بفروشد ، عمل او را تقییح

می کنند و می گویند: فلانی تجارت بوق حمام کرده است!؟ این ضرب المثل به نشانه‌ی ناشیگری و بی تجربگی فرد در خرید و فروش و تجارت به کار می رود.

۳۴۲- مَیْرَ تَعْزِیْهِ تَجْرَهَ؟ مگر تعزیه‌ی تجره است؟

کسی که این ضرب المثل را به کار می برد می خواست بگوید. چند بار باید یک کار یا مطلب را تکرار کنم؟

می گویند در «تجر» هر تازه واردی به تماشای تعزیه می رفته به مباشر یا کارگردان می گفته: «یَه نُمِّمَ تَعْزِیَه نَه اَسْرِیْر: یک نان می دهم تعزیه را تکرار کن» و این تکرار مکررات برای کار یا حرفی تکراری که غالباً بی مزه و خالی از لطف بوده، مثل شده است.

۳۴۳- مَیْرَ دِنِ اَرَه تِیْز مَكْنَم؟ مگر من دندانهای اره تیز می کنم!؟

تیز کردن دندانهای اره صدایی خشک و گوش خراش دارد. شخص با به کار بردن این ضرب المثل می خواهد به مخاطب خود بگوید کلام و نصیحت من در گوش تو تا آن حد غیر قابل تحمل و دل آزار است که مثل تیز کردن اره است؟ یعنی نه تنها به حرف من عمل نمی کنی، بلکه حاضر به شنیدن آن هم نیستی!؟

۳۴۴- مَیْرَ سِر شِیْر و تُوْرُوَه اِوْرَدَه؟ مگر کله‌ی شیر به توبره آورده!

گویا سابقاً صیادی سر شیری را که شکار کرده است در توبره حمل کرده و برای نمایش دادن شجاعت خود، آن را به رخ دیگران کشانده است. وقتی کسی کاری معمولی و عادی می کند و می خواهد کار خود را بزرگ جلوه دهد و آن را به رخ دیگران بکشد دربارهی او به طنز این ضرب المثل را می گویند.

۳۴۵- مَیِر مَرگ و خزینَه دِیی! [چرا تعجب می‌کنی؟] مگر در خزینَه [ی حمام] گرگ دیده‌ای؟!

این ضرب‌المثل را به کسی می‌گویند که بر اثر ساده‌لوحی یا به هر علتی، از یک موضوع عادی و معمولی، بی‌جهت اظهار شگفتی کند.

۳۴۶- مَیِر مَرغیش زور کِودَه؟! مگر مرغ او زور زده [وتخم گذاشته است]؟! این ضرب‌المثل را به کسی که مال دیگران را بدون ملاحظه هدر داده است، می‌گفتند. یعنی او چون در تهیه‌ی این مال زحمت نکشیده است، پس دلش نمی‌سوزد و به سادگی آن را از دست می‌دهد.

۳۴۷- مَیِر مَش مَرودَه که روشه نینم! او را کول می‌گیرم تا رویش را نینم! یعنی آن‌قدر از دیدار او متنفر هستم که حاضریم او را به دوش بکشم و وزن سنگین او را تحمل کنم، ولی به صورتش نگاه نکنم! در این ضرب‌المثل حدت و شدت بغض و کینه، که از صفات زشت بشری است، دیده می‌شود.

۳۴۸- مَیِر وَا مَه چَنو چال کِودی؟! مگر با من چغندر چال کرده‌ای؟ یعنی مگر تو شریک سود و زیان من هستی؟! از من چه می‌خواهی؟! در قدیم برای آن‌که چغندر یخ نزنند آن را زیر خاک قرار می‌دادند و زمستان به تدریج آن را بیرون می‌آوردند و مصرف می‌کردند.

شاعری بذله‌گو خطاب به مادر زن خود گفته است:

چه می‌خواهی زمن ای مادر آل؟! مگر با من چغندر کرده‌ای چال؟!

۳۴۹- میوه‌ی خو نصیو شغال ما! میوه‌ی خوب نصیب شغال می‌شود!

این مثل را درباره‌ی زن زیبایی می‌گویند که شوهرش از حیث قیافه و اندام عکس او باشد. یا به هر چیز با ارزشی می‌گویند که به دست فرد ناباب و نالایقی افتاده باشد. در فارسی هم می‌گویند «سیب سرخ به دست چلاق می‌افتد!»

۳۵۰- مین او کورا خو طی مکنه! [صاحب الاغ فرصت طلب] کرایه‌ی الاغش را در داخل آب اعلام می‌کند!

«کرایه‌طی کردن» به معنی چانه‌زدن و گفت‌وگو برای تعیین کرایه است. این ضرب‌المثل درباره‌ی کسانی گفته می‌شد که در شرایط زمانی و مکانی خاص کسی را در تنگنا قرار می‌دادند و با زرنگی وی را مجبور به پذیرفتن شرایط خود می‌کردند. همان‌طور که صاحب الاغ در موقع عبور دادن لنگه‌های بار از رودخانه ضمن توقف در وسط رودخانه، کرایه‌ی حمل بار را بر صاحب بار تحمیل می‌کرد و او از ترس این که کالایش در آب غرق نشود می‌پذیرفت!

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی